

صراط



نکته‌ای که در کنار این مسئله، مورد توجه هست، این است که چه شد که غربی‌ها، مشخصاً انگلیسی‌ها، در این مسئله کامیاب شدند؟ از چه شگردی استفاده کردند که کامیاب شدند؟ در حالی که مردم که جمعیت اصلی هستند، می‌توانستند در اختیار علما باقی بمانند و اجازه داده نشود که شیخ فضل‌الله جلو چشم همین مردم به دار کشیده شود؛ قاعده قضیه این بود، به نظر من مشکل کار از این جا پیش آمد که اینها توانستند عدای از اعضای جبهه عدالت‌خواهی - یعنی همان اعضای دینی و عمدتاً علما - را فریب بدهند و حقیقت را برای اینها پوشیده نگه دارند و اختلاف ایجاد کنند. انسان وقتی به اظهاراتی که مر حوم آسید عبدالله پهمانی و مر حوم سیدمحمد طباطبایی در مواجهه و مقابله با حرف‌های شیخ فضل‌الله و جناح ایشان داشته‌اند، نگاه می‌کند، این مسئله را درمی‌یابد که عمده حرف‌ها به همین است که اینطور می‌گفتند. این حرف‌ها به نجف هم منعکس می‌شده و شمانگاه می‌کنید که همین اظهارات

تأملی در نگاه شیخ فضل‌الله نوری به نسبت سیاست و شرع

# سیاست و شریعت از ابتدا ملازم بوده‌اند

شیخ فضل‌الله نوری، نمونه‌ای از مجتهدان عصر حاضر است که نظرات سیاسی‌اش، در عصر خود فهم نشد و گرچه تفصیلات نظر او نشان دهنده میزان بینش این مجتهد و پیشتازی او در روشنفکری دینی است، اما آنچه کوشیدند از شیخ به عنوان «تاریخ» ثبت کنند، مخالفتش با مشروطه‌ای بی‌قید و شرط است. در حالی که شیخ فضل‌الله به دلیل مخالفت با مشروطه، برچسب دیکتاتوری می‌خورد که شجاعت خود را در مقابله با نهضت عدالتخانه و تحسن در کنار علما که عملاً دمیدن بر آتش مشروطیت در ایران بودند، چنین می‌نماید که زعم عمومی از شخصیت شیخ فضل‌الله خلاف آنچه در افکار عمومی و پروپاگاندا رسانه‌ها در حال تبلیغ است، اساساً نه فقط تعاملی با استبداد ندارد بلکه خود از مبارزان صف اول استبداد است. اما آنچه شیخ را محکوم به دار مجازات مشروطه‌خواهان نمود، بینش بی‌نظیر او در فهم این مسئله است که مشروطه بدون مشروعت، تفاوتی با دیکتاتوری ندارد و چه بسا خودی دیکتاتوری «مشروطیت فی نفسه» از استبداد نیز بیشتر باشد. مسئله‌ای که شوق زایدالوصف منورالقران و غرب‌زدگان از پیمایش بی‌چون و چرای مسیر غرب و هلیله مهر‌های لژهای فراماسونری که کارویژه‌شان انحراف مشروطیت به مسیر مطبوع خود بود هرگز نگذاشت سخن حق شیخ شنیده شود. به فضای مجازی همین روزها (مصادف با سالگرد شهادت شیخ فضل‌الله) هم که بنگریم، می‌بینیم غرب‌شیفتگان همچنان با هلیله، تصویر سر بر دار این فقیه را دست به دست می‌نمایند و ناسزا بر این مرد بزرگ تاریخ رو می‌دارند. و این حکایت از یک «جهل عمیق» روشنفکرمانا به دارد. از همان جنس که جلال آل احمد درباره‌اش می‌نویسد: «از آن روز بود که نقش غرب‌زدگی را همچون دافی بر پیشانی ما زدند و من نقش شیخ فضل‌الله بزرگوار را بر سر دار همچون پرچمی می‌دام که به علاقت استیلای غرب‌زدگی پس از ۲۰۰ سال کشمکش، بر پام سرای این مملکت افراشته شد.» اما به راستی جرم شیخ فضل‌الله چه بود؟

بی‌شک، وجه تمایز سخن شیخ فضل‌الله نوری با مشروطه‌خواهان، که به شهادت وی انجامید، چیزی جز «اسلام» نبود. این جرم البته تاوان سنگینی برای شیخ داشت. اما خمینی در یکی از سخنانش در ابتدای نهضت اسلامی می‌فرماید: «جرم شیخ فضل‌الله بیچاره چه بود؟ جرمش این بود که می‌گفت قانون باید اسلامی باشد. جرم شیخ فضل‌الله این بود که احکام قضای غیرانسانی نیست. انسانی است. او را در زند و از بین بردند و شما هم حالا به او بدگویی می‌کنید.»

مر حوم آیت‌الله طالقانی از روشنفکران نهضت اسلامی، رفتار ناجوانمردانه با شیخ را اینگونه توصیف می‌کند: «کنسته شدن مر حوم آقا شیخ فضل‌الله نوری بدون محاکمه، لکه‌ننگی در تاریخ مشروطیت نهاد.»

هر چند مردمان فریب‌خورده، ۱۰۰ سال پیش در چنین روزهایی به پایکوبی پس از اعدام شیخ مشغول بودند و تا امروز هم، ردپای هلیله‌کنان چپالت را در میان سفها و سفگان می‌توان دید، اما آنچه شیخ بر آن پافشاری کرد، امروز نمره داده است و حکومت دینی و نظریه دولت شریعت، مرهون ایستادگی شیخ بر موضوع دینی خود است.

خاستگاه اندیشه سیاسی شیخ فضل‌الله

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری، ریشه در خاستگاهی دارد که او در آن رشد یافته‌است. پنجه تاریخ نشان می‌دهد، شیخ فضل‌الله معاصر با یکی از دوران‌های پرشکوه و تأثیرگذار، مر جمعیت در ایران بوده‌است. این مجتهد در حالی تحصیلات خود را در حوزه سامرا پی گرفت که بعد از هجرت «میرزای شیرازی» به این شهر در زمره مراکز متقدم علوم حوزوی به شمار می‌رود. حلقه شاگردان میرزای شیرازی در حوزه سامرا، از قبهقان و علمایی تشکیل شده بود که بعدها بسیاری از تحولات سیاسی و علمی را در دست گرفتند. میرزای شیرازی به عنوان رقه‌زننده نهضت تنباکو، اثر مر جمعیت شیعه را در ایران تثبیت کرد و قدرت علمای شیعه در خط‌دهی به نهضت‌های اسلامی، منبعث از تأثیرات این شخصیت بزرگ بود.

اما شیخ فضل‌الله در فضایی قرار گرفت که پیش‌نویس مشروطیت در حال نگارش بود و شیوه حکومت در کشور بحث‌دغ مغافل بود. در این شرایط شیخ فضل‌الله در ابرز نظرات سیاسی مبتنی بر اصول گرفتند. تحلیل نسبت سیاست با شریعت، پیشگام شد و به تحلیل قانون اساسی مطلوب از منظر شیعی پرداخت.

نسبت سیاست و حکومت

نخستین مسئله‌ای که شیخ فضل‌الله در صدد تبیین آن برآمد پاسخ به این سؤال بود که چه نسبتی میان

## حساسیت مقابل انحراف، شیخ فضل‌الله را پای چوبه دار برد

انسان در کار مر حوم آقا نجفی قوچانی، در آن کتاب و در مذاکراتی که در نجف در جریان بوده، اینها را می‌بیند - و حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها و به‌ویژه عمال حکومت گفته می‌شد و وعده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کردند. اینطور می‌گفتند که: شما دارید عجله می‌کنید؛ سوءظن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند؛ اینها هم هدفشان دین است؛ این مسائل در مکاتبات، نامه‌های صدر اعظم و... به مر حوم آخوند منعکس شده‌است. انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند، اما حساسیت بعضی‌ها مثل مر حوم آسید فضل‌الله باقی ماند؛ اینها حساس ماندند؛ اصرار کردند و در متمم، آن مسئله پنج مجتهد جامع‌الشرایط را گنجاندند و مقابله کردند. یک جمع دیگری از همین جبهه، این حساسیت را از دست دادند و دچار خوش‌باوری و حسن‌ظن و شاید هم نوعی تغافل شدند. البته انسان حدس می‌زند که بعضی از ضعف شخصیتی‌ها و ضعف‌های اخلاقی و هوای نفس بی‌تأثیر نبود؛ حالا و لوسه در مثل مر حوم



بیانات رهبری در دیدار شورای مرکزی و کمیته‌های علمی همایش صمدین سالگرد مشروطیت

۸۵/۲/۹



از نگاه شیخ فضل‌الله دین از یکسو و گستره قوانین الهی شامل همه جلوات زندگی است و از سوی دیگر، خاتمیت نبی چنین حکم می‌کند که شریعت وی، الی‌الابد مورد استفاده در جمع جوانب زندگی قرار گیرد؛ لذا گستره دین در مسائل و مقتضیات سیاسی و اجتماعی عصر حاضر نیز بروز می‌یابد و در این گذرگاه است که امکان و ظرفیت دین برای زعامت امور عامه خود را نشان می‌دهد

با این استدلال، شیخ فضل‌الله، حکومت مطلوب در عصر حاضر را هم‌جاری امور دین و مرکز تجمع این دو شأنت برمی‌شمرد؛ «در حقیقت هر دوی اینها مکمل و متمم آن دیگری است. نیابت در امور سلطنتی و نیابت در امر نبوت. بدون این دو احکام اسلامی معطل خواهد ماند. در واقع سلطنت، قوه اجرائیه احکام اسلامی است.»

ظرفیت دین برای حکومت داری

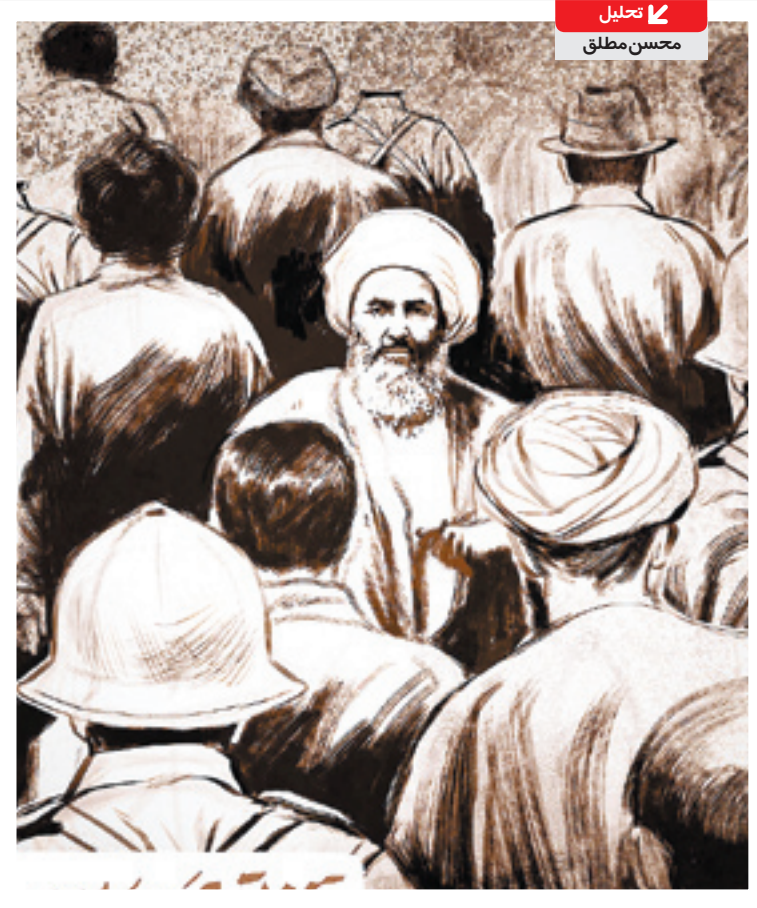
در مقابل شیخ فضل‌الله، عده‌ای از روشنفکر مابان ضمن هجو شریعت، آن را مسئله‌ای مربوط به قرن‌ها پیش دانسته و امری برمی‌شمردند که در حال حاضر و مقتضیات عصر کنونی، حتی اگر خواهد، توان اداره جامعه را ندارد. شیخ فضل‌الله به مخالفت با این تفکر بر آمد و این برداشت که قانون الهی در گذر زمان فاقد استفاده شده و نیازمند تغییر است را موجب خروج از دین می‌دانست: «اگر کسی چنین بیندیشد که مقتضیات عصر تغییر دهنده برخی مواد قانون الهی است یا مکمل آن چنین کسی از عقاید اسلامی خارج شده‌است؛ چرا که پیامبر ما خاتم‌انبیا و قانون او، ختم‌قوانین است و خاتم آن کسی است که آنچه مقتضی صلاح حال عباد است، الی‌الی‌الابد بصور به سوی او وحی شده باشد و دین را کامل نموده باشد.»

پس، از نگاه شیخ فضل‌الله دین از یکسو گستره قوانین الهی شامل همه جلوات زندگی است و از سوی دیگر، خاتمیت نبی چنین حکم می‌کند که شریعت وی، الی‌الابد مورد استفاده در جمع جوانب زندگی قرار گیرد؛ لذا گستره دین در مسائل و مقتضیات سیاسی و اجتماعی عصر حاضر نیز بروز می‌یابد و در این گذرگاه است که امکان و ظرفیت دین برای زعامت امور عامه خود را نشان می‌دهد.

تصدی امور عامه از دیرباز طبق نظر فقها از اختیارات «ولایت» بوده‌است که پس از امامان به فقها منتقل شده است. اما حیطه این ولایت بیشتر محل بحث بوده است. از نگاه شیخ، تصدی امور عامه خود را در دو بعد نشان می‌دهد؛ بعد اول تصدی امور شرعی عامه است و بعد دوم تصدی امور عرفی در جامعه اسلامی است. این دو بعد عملاً شریعت را با سیاست پیوند می‌زند، چرا که در نگاه شیخ تصدی امور عامه و تبیین مسائل و بیادسازای آن در جامعه، وظیفه شرع و جزء حیطه قدرت آن است؛ لذا اصلاً بحث امور عامه از شئون ولایتی و منسوب به شارع مقدس است و نه وکالتی و قابل تفویض. آیت‌الله در این خصوص می‌گوید: «تکلم در امور عامه از خصوصیات شارع است؛ اگر مقصود امور شرعی عامه است، این امر مربوط به ولایت است و نه وکالت.»

پس از این منظر، در صورتی که احکام جامعه اسلامی و سیاست مستط بر این جامعه که به عبارتی تصدی امور عامه است، در دایره شریعت مطرح نشود و قوانین در کشور اسلام، مطلق با نظر دین شناسان نباشد، نظم اجتماعی مسلمین در عمل دچار اختلال است و امر مرتبط با شارع در اختیار فرد غاصب قرار گرفته‌است و با چنین غصبی عملاً اجرای بخش زیادی از احکام الهی تعطیل می‌شود؛ «قوانین جاریه در مملکت نسبت به نوامیس الهیه از جان، مال و عرض مردم باید مطابق فتوای مجتهدین عدول هر عصر که مرجع تقلید مر ممد باشد و از این رو همه قوانین باید مطوی گردد و نوامیس الهیه تحت نظر مجتهدین عدول قرار گیرد تا تصرف غاصبانه که سبب بروز هزار گونه اشکالات مذهبی برای متدینین است، مرتفع گردد.»

در نگاه شیخ فضل‌الله، اینکه مردم زعامت را سیاست خود را به دست نااهل داده‌اند، سبب بروز استبداد در جامعه دینی شده و اگر سیاست به شریعت واگذار می‌شد، سخن از استبداد بی‌معنی بود. سیاست از ابتدا با شریعت ملازم بوده و بعدها بر اثر سوانحی به دست افراد غاصب و حکام جان‌افزاده است: «کارهای سلطنتی بر حسب انضاقات عالم، از رسته شریعتی موضوع شده و در اصطلاح فقها به دولت متاخره و در عرف سیاسیون، به دولت مستبد واگذار شده‌است.»



تحلیل محسن مطلق

«دین» و «سیاست» وجود دارد. آیا دین ساختی جدای از تدبیر سیاسی دارد و همانطور که عده‌ای می‌کوشیدند نمایش دهند عالمان دین و خطبای وعظ و منبر و خطابه حول مفردات و امور شخصی و معنوی زندگی را دارند و طرح‌ریزی سیاسی و جهت‌دهی اجتماعی جامعه، وظیفه «منورالقران» است که در دانشگاه‌های اروپایی متفق علوم سیاسی کرده‌اند؟ جواب شیخ فضل‌الله به این سؤال منفی بود.

او برای تبیین این مسئله نخست، به ساخت وجودی انسان می‌پردازد و این مخلوق خدا را موجودی ذووچپین معرفی می‌کند که یک بعد به «ظلم معاشی» او مرتبط است و کلیه خصائص مادی و این جهانی را در برمی‌گیرد و بعدی دیگر

که به «ظلم معادی» او مرتبط است و خلصت‌های معنوی از آن بیرومی می‌کنند. این دو جلوه عالم از نگاه شیخ فضل‌الله غیرقابل تفکیک هستند؛ گونه‌ای که انسان معتقد به این دو بعد، باید از قانون و نظم‌ی تبعیت کند که در آن امر معاش مختل امر معاد نشود و امر معاد، در امر معاش اختلال ایجاد نماید. ایشان در یکی از رسالت خود می‌نویسد: «ما حسب اعتقاد اسلامی، نظام معاش خود را باید به گونه‌ای بخواهیم که امر معادمان را مختل نکند، و لابد چنین قانونی منحصر خواهد بود به قانون الهی چرا که اوست جامع‌چنین؛ یعنی نظم‌دهنده دنیا و آخرت است... بر عامه متدینین معلوم است که بهترین قوانین، قانون الهی است و این مطلب آن چنان مسلم است که نیاز به دلیل نیست.»

لذا از نقطه نظر شیخ فضل‌الله، آن نظام سیاسی قابل پذیرش است که قانون خداوند بر آن حاکم باشد. این قوانین صرفاً خود را در اخلاقیات و عبادات فردی نشان نمی‌دهند بلکه شریعت، در نظم حاکم بر امور جامعه نیز ورود می‌کند؛ «واضح است که این قانون الهی ما مخصوص عبادات نیست، بلکه جمع مواد سیاسی‌ها بر وجه کامل و اوفی داراست.»

حتی شیخ فضل‌الله در خصوص حکمرانی در جامعه معتقد به لزوم تشخیص شریعت برای تعیین حکمران بود. وی نبوت و سلطنت را دو شأن رسولان می‌داند که البته گاهی این دو شأن از یکدیگر جدا بوده‌است و گاه ملازم بوده‌اند، اما هیچ‌گاه حکومت و نبوت در دو نقطه مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند. ایشان می‌نویسد: «نبوت و سلطنت در انبیا پیشین، مختلف بود. گاهی مجتمع و گاهی متفرق. اما در وجود پیامبر گرامی اسلام(ص) و خلفای ایشان این دو شأن مجتمع بود. تا چندین ماه پس از عروض عرائض و حدود سوانح مرکزیت این دو امر (صدر احکام دینی و اعمال قدرت در جامعه) دوباره در دو محل واقع شد.»



پیشخوان خبر

## کتاب «همروی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی» منتشر شد

کتاب «همروی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی» به قلم سیدصادق حقیقت منتشر شد. به گزارش «جوان»، نویسنده در معرفی مسئله کتاب و رویکرد همروی چنین آورده است: «رویکرد همزوی راه میانه یا راه سومی بین دو رویکرد حداکثری و حداقلی به شمار می‌رود و بر تعامل ادله عقلی (فرامتنی) با ادله قرآنی -



روایی (متنی) تکیه می‌زند. از جهتی می‌توان این رویکرد را ادامه کوشش فارابی (در نسبت‌سنجی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی) و ناپینی و آخوند خراسانی (در سنجش ظرفیت فقه در مقابل تجدد) ارزیابی کرد.»

نظریه همروی در چهار سطح امکان طرح دارد: پل زدن بین روش‌های معرفتی، جمع بین روش‌های متنی و فرامتنی (و متن گرایانه و زمینه‌گرایانه)، همسویی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی و بالاخره ترکیب سازوار سنت و تجدد، موضوع کتاب حاضر همسویی و تعامل فلسفه سیاسی و فقه سیاسی است. کتاب «همروی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی» شامل

فلسفه سیاسی و فقه سیاسی» صورت پذیرفته را می‌توان زیر مجموعه عنوانی عام‌تر، یعنی «رویکرد همروی» قرار داد. متفکران زیادی زیر چتر رویکرد همروی قرار دارند حتی فارابی در عصر زین تمدن اسلامی که نسبت فلسفه سیاسی و فقه مدنی را با رویکردی عقلی به بحث گذاشت.

وی کلیات سیاست را به فلسفه و جزئیات آن را

بیش از یک دهه پژوهش و کوشش‌های قلمی نویسنده در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی حول محور نظریه همروی است. به اعتقاد نویسنده این کتاب، هر منوتیک و گفتمان دوروش مهم مدرن و پسامدرن محسوب می‌شوند که ممکن است بتوانند شیوه فهم را در اندیشه اسلامی متحول سازند. این کتاب توسط انتشارات هرمس در ۵۴۶ صفحه منتشر شده است.

دبیر اجرایی گفتمان نخبگان علوم انسانی مطرح کرد

### ارائه ۶۰ واحد درسی به دانشجویان نخبه

#### دوره گفتمان نخبگان علوم انسانی

دانشگاهی به صورت موازی ادامه پیدا می‌کند. نیکبخت اظهار داشت: در تلاش هستیم تا دانشجویان دعوت به گفتمان نخبگان علوم انسانی عمومی باشد و دانشجویان دارای رتبه‌های مناسب در طرح نام‌نویسی کنند و در صورت احراز ملاک نخبگی آنها به طرح دعوت شوند.

وی استمرار و پیوستگی، داشتن سرفصل و شورای علمی را ویژگی طرح گفتمان نخبگان علوم انسانی نسبت به دوره‌های

افشین نیکبخت، دبیر اجرایی سومین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی فرایند انتخاب دانشجویان برای شرکت در این طرح را تشریح و یکی از ملاک‌های این انتخاب را رتبه‌های برتر دانشجویان عنوان کرد. وی گفت: «گفتمان نخبگان علوم انسانی فرایند انتخاب را تشریح و یکی از ملاک‌های این انتخاب را رتبه‌های برتر دانشجویان عنوان کرد. وی گفت: «گفتمان نخبگان علوم انسانی فرایند انتخاب را تشریح و یکی از ملاک‌های این انتخاب را رتبه‌های برتر دانشجویان عنوان کرد. وی گفت: «گفتمان نخبگان علوم انسانی فرایند انتخاب را تشریح و یکی از ملاک‌های این انتخاب را رتبه‌های برتر دانشجویان عنوان کرد.»

هر سال دانشجویان نخبه رتبه یک تا ۳ هزار کنکور سراسری همان سال و دانشجویان رتبه‌های یک تا سه ۱۶ دانشگاه برتر کشور برای شرکت در این طرح فراخوان و پذیرش می‌شوند.

دبیر اجرایی سومین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی افزود: پایان فروردین ماه آخرین مهلت نام‌نویسی در این طرح است که پس از ثبت نام و موفقیت در مصاحبه، می‌باحت کلی و عمومی



مشابه در سطح کشور برشمرد و گفت: اصلاحاتی که در طرح صورت می‌گیرد کلان نیست.

دبیر اجرایی سومین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی تصریح کرد: آنجا که برنامه این طرح موازی با برنامه دانشگاهی پیش می‌رود باید دانشجویان توانمندتری در این عرصه انتخاب شوند که دارای انگیزه و ظرفیت بالا باشند و بتوانند مباحث را با هم جمع کنند.

### سازمان بسیج علمی

#### از پایان‌نامه‌های علوم انسانی حمایت می‌کند

نوع حمایت آماتور و نیمه حرفه‌ای از ایده‌ها وجود دارد که پس از داوری برای بخش آماتور تا سقف ۷ میلیون تومان و برای بخش

حسین قدیانی، رئیس سازمان بسیج علمی کشور گفت: با توجه به اینکه بسیج علمی کشور با هدف تبدیل ایده به محصول



نیمه حرفه‌ای تا سقف ۸۰ میلیون تومان حمایت مالی صورت می‌گیرد.

وی عنوان کرد: در بخش نیمه حرفه‌ای طرح‌هایی مورد داوری قرار می‌گیرند که مورد نیاز کشور و جامعه باشند.

حمایت‌های خود را انجام می‌دهد بنابراین در حوزه علوم انسانی نیز پژوهش‌هایی که منجر به محصول بوده و کاربردی باشند مورد حمایت مالی قرار خواهند گرفت.

به گزارش مهر وی افزود: در زمینه حمایت مالی از پژوهش‌های علوم

انسانی سعی کرده‌ایم محدودیت یا سقف میزان حمایت نداشته باشیم. رئیس سازمان بسیج علمی کشور خاطر نشان کرد: طرح‌های ارائه شده پس از داوری و اعلام نتیجه داوری مورد حمایت قرار می‌گیرند. قدیانی خاطر نشان کرد: در این سازمان دو